

دل‌باخته حق

آری او هدفی جز حق نداشت ، عاشق ، شیفته ، شیدا و پاک‌باخته حق بود این شیفتگی بحق در سراسر عمر علی (ع) نمودار و هویداست . هر کس اندک مطالعه و تأملی در زندگی درخشان و پرفیض داشته و از موهبت قضاوت صحیح و انصاف بی بهره نبوده جز این نظری ندارد ، فرق نمی‌کند شیعه باشد یا سنی ، مسلمان یا مسیحی .

اولین فرد

اولین فردی است که دعوت سعادت بخش نبی اکرم (ص) را پاسخ مثبت داد (۱) آنهم در آن شرایط سخت و بحرانی ، در آن جو تاریک و وحشت‌زا در موقیبتی که نزدیک‌ترین خویشان پیامبر اسلام نه تنها با او روی موافق نشان نمی‌دادند سهل است دسته جمعی برای ایجاد مانع در راه پیشبرد اسلام و کوییدن بنیان گذارش تلاش خستگی ناپذیر داشتند در محیطی که ابراز حق و هم آهنگی با سفیر رحمت الهی به قیمت اذیت دادن تمام امتیازات اجتماعی و تحمل سخت‌ترین محرومیتها و شکنجه های توان فرسا تمام میشد ، دره محیط خفقان و رعب و دریک شرایط هر اس انگیز در چنین موقیبتی علی (ع) اولین فردی بود که باشیفتگی و مجذوبیتی خاص دعوت رئیس اسلام را اجابت و پیمان فداکاری و سر بازی در راه اسلام با آن حضرت منعقد نمود ، و تادم واپسین بر این پیمان مقدس استوار ایستاد .

سر باز فداکار

کافی است یک مرور اجمالی به حوادث بیست و سه سال رسالت نبی اکرم (ص) کنیم . فداکاریها ، جانبازیها و از خود گذشتگی های شخص امیر مؤمنان علی (ع) قسمت عمده تاریخ این مدت را تشکیل میدهد آن روزی که گرگان خون آشام آن عده ای که زندگی خود را بروی لاشه های بیجان مردم ستم دیده استوار ساخته و بانندای آزادی بخش پیامبر بزرگ اسلام نقشه های خود را نقش بر آب و پایه های حکومت جابرا نه خویش را منترزل دیدند و در ده اردیبهشت ۵۰ هجری نقشه قتل رهبر اسلام را بصورت یورش دسته جمعی آنهم شب هنگام و ناگوارانه طرح کردند

(۱) سیره ابن هشام ج ۱ ص ۲۴۵ ،

همین شخصیت والا بود که بخاطر حفظ رهبر اسلام جان عزیز خود را به مخاطره انداخت و در خوابگاه وی آرمید .

در تمام جنگ‌هایی که در مدت حیات پیامبر اکرم رخ داد در صف جلو قرار داشت ، مگر نه او بود که در جنگ بدر از زنده ترین سر بازی را در راه اسلام انجام داد ، مگر نه او بود که در جنگ خیبر عامل اصلی پیروزی مسلمین و کوبیدن دشمن ناپاکار اسلام شد ، مگر نه او بود که در جنگ احزاب با کشتن عمرو بن عبدود به داد اسلام و مسلمین رسید ، هم او بود که باز خیمهای فزوانی که در جنگ احد بر پیکر مقدسش رسیده بود پروانه وار گرد شمع وجود نازنین رسول اکرم چرخ میزد و حملات دشمن را در هم می‌کوبید آری در تمام این مراحل بر سر پیمان فداکاری در راه حق که از روز نخست با پیامبر بزرگوار ، و قبل از او با خدای خود بسته بود ، محکم ایستاد .

فقط بخاطر حق

جالب اینجاست که در تمام دوران سر بازی يك ذره اسپر اغراض شخصی و حس جاه طلبی نشد جانبازیها و فداکاریهایش يك ذره انگیزه خود خواهی و کینه توزی نداشت بخاطر این نبود که او را افسری آزمود و شجاع بخوانند همه و همه برای خدا و بخاطر حق بود بخاطر حق با نزدیک ترین خویشانش درمی افتاد و بهمین جهت با بیگانه ترین افراد دست برادری و محبت میداد ، جنگهای او با دشمن بمنظور اصلاح و آزادی اجتماع بودند بخاطر خون ریزی و ارضاء کینه جوئی و این درس گرانها را از مکتب مقدس رهبر عالیقدر خود آموخته بود ، او برای نجات جامعه بشریت از بدبختی و تیره روزی آمده مأموریتش اصلاح و تربیت جامعه بود ، اما چه میشود کرد در اجتماع بسیارند افرادی که چون خارهای خطرناک محیط رشد و نمو را بر گلهای عطر پاش و فرح انگیز تنگ کرده و مانع اند که فضا از آن شکوفه های روح پرور صفائی بگیرد و چون میکروب و باوسل محیط بهداشت و سلامت اجتماع را بخاطر انداخته اجازه نفس کشیدن آزاد و سالم به کسی نمیدهند .

حکومت در نظر علی وسیله است نه هدف

وسیله اقامه عدل و اجراء حق ، وسیله کوبیدن ظلم و بیداد گری . حکومت در نظر او سنگر برای بیچارگان و ستمدیدگان بود پناهگاهی که با آغوش باز و حرمین جامعه را پذیرفته ، داد آنانرا از ستمگران بستاند ، گلوی چپاولگران را با چنگال عدالت چنان بفشارد که دیگر کسی را یارای اجحاف و تجاوز به حقوق مردم ضعیف نباشد .

معاویه اصرار داشت عدی بن حاتم اوصاف و سیره علی را برایش تشریح کند عدی ضمن سخنان جان دار و از زنده ای که در تجسم شخصیت والای آن حضرت ایراد کرد گفت :

«هیچ نیرومند و گردنکشی را در دستگاه او یاری اجحاف و ستم نبود، داد خواهی و عدالتش به ضعیف ترین افراد، قوی ترین روح امید و اطمینان می بخشید» (۱)

از یک طرف با اجراء دقیق عدالت تلاش و کوشش خستگی ناپذیری در جهت بالا بردن سطح زندگی ملت و عمران و آبادی قلمرو حکومت خود داشت و در این باره کافی است فقط نظر عمیقی به فرمانی که برای «مالک» صادر کرد بکنیم.

از طرف دیگر بموازات آن کوششها برای رفاه و آسایش طبقه ضعیف هماهنگی و همدردی با آنانرا هیچگاه فراموش نمی کرد در همان زمان زمامداری و حکومت که تمام کشور اسلامی آن روز را باستثناء شام در اختیار داشت زندگیش با زندگی فقیرترین افراد اجتماع در یک سطح بود و همین انتظار را اذتمام مأمورین دستگاه خود داشت، وقتی شنید استناد بر سره به میهمانی یکی از اشراف شهر رفته که فقط برای اشراف و طبقه متمین اختصاص داشت نامه مفصل و تو بیخ آمیزی برای وی می نگارد، در آن نامه است که می نویسد «برای من درد آور است سیر بخسبم و اطرافم فقرا باشکم گرسنه در رنج و تعب باشند».

«آیا بهمین دل خوش باشم که مرا امیر المؤمنین و رئیس جامه بدانند اما در رنجها و ناکامیها با توده ملت سهم و شریک نباشم».

فوق العاده سخت گیر!

چون از حکومت و زمامداری هدفی جز اجراء حق نداشت در این زمینه فوق العاده سخت گیر بود مسامحه و سهل انگاری، گذشت و چشم پوشی نسبت به متجاوزین در قلموس زندگیش راه نداشت، ب فکر این نبود که این سخت گیریها باعث رنجش و دلخوری اطرافیانش بشود یا نشود، برای حکومتش در دسرونا را حتی داشته باشد یا نداشته باشد زیرا حکومت را بخاطر حکومت نمی خواست، حکومت را بخاطر حق می خواست.

همین سخت گیری انعطاف ناپذیر وی، موجب شد یک عده سر و صدا ها راه بیاندازند اما علی کسی نبود که با این داد و فریادها مسیر زندگی خود را تغییر دهد.

وقتی با او گفتند آقا! این جار و جنجالها که علیه شما راه انداخته اند، اینکه از کنار شما منفرد و بسوی معاویه رفته اند بیست شمارا نقص وزیر پا گذاشته راه مخالفت پیش می گیرند تمام بخاطر انعطاف ناپذیری و خورده گیری فوق العاده ایست که در امر بیت المال و تقسیم حقوق پیش گرفته اید خوب است قدری گذشت و مسامحه کنید تا امر حکومت از خطر محفوظ بماند، داد زد و گفت از من می خواهید پیروزی را در پر تو بیداد گری بدست آورم؟ پایه های حکومت خود را

بر روی ظلم و ستم بی ریزی کنم ، نه والله ، این کار از علی هرگز ساخته نیست اگر این مال از شخص خودم می بود نیز جز این راه نمی رفتم تا چه رسد به بیت المال که متعلق به آحاد ملت و حقوق عمومی بود . است (۱)

نه تنها دستگاه حکومت خود از غضب حقوق جامعه جلو گیری می کرد بلکه با تمام قوا فعالیت و کوشش داشت حقوقی که در حکومت های قبلی پامال شده از گلوی غارتگران بیرون کشد ، در خطابه ای که روزهای اول خلافت ایراد کرد با صراحت اعلام داشت : «حقوق از دست رفته عامه مسلمین را از چپا و لگران می گیرم هر چند مهریه زنان شان قرارداد باشند» (۲)

او میدانست که این تصلب و سخت گیری برای سرگران تمام می شود ، نقشه ها علیه او بکار می افتد همه اینها را پیش بینی میکرد و عجب اینکه همان روزهای اول زمامداری این موضوع را به کسانی که با او بیعت کردند اعلام داشت و عاقبت هم چنین شد عدالت و داد خواهی به قیمت جانش تمام شد قتل فی محرابه لشدة عدله آری : دشمن طاووس آمده پراو .

(۱) ابن ابی الحدید ج ۱ ص ۲۱۷ (۲) شرح ابن ابی الحدید .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فرزندان بد

امیر مؤمنان می فرمود : **ولد السوء یهدم الشرف ؛ و یشین السلف .**

: فرزندان بد کاخ شرف خانواده را منهدم می سازند ، و لکه ای برای گذشتگان خود می شوند ،

غرد الحکم ص ۷۸۰